info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۷۷۹۲
چهارشنبه / ۱۸ تیر / ۱۴۰۴
۱۳ / محرم / ۱۴۴۷
09 / July / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: ک‌ج بلوار تعاون- خیابان فرهنگ- جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

چون می از خُم به سبو رفت و گُل افکند نقاب
فرصت عیش نگه دار و بزن جامی چند
قند آمیخته با گُل نه علاج دل ماست
بوسه‌ای چند بر آمیز به دشنامی چند

چرخ و زمین بنده تدبیر تست
بنده مشو درهم و دینار را

پروین اعتصامی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۱۳	۰۴:۵۸	۱۲:۱۱	۱۹:۲۴	۱۹:۴۵

هیچ چیزی به خودی خود خوب یا بد نیست، این تفکر است که به آن معنی می‌بخشد...

شکسپیر

گزارش روز

«قهرمان ما» کنار ماست!

در دل طوفان‌های تاریخ، مردم ایران قهرمان خود را شناخته‌اند نه در فاسقه‌ها و اسطوره‌ها بلکه در کنار من، رهبر عزیزمان ایستاده، استوار، الهام‌بخش و بی‌ادعا.

به گزارش پیام آشنا به نقل از مهر، واژه‌ها گاهی تنها مرگبارند. در صفحه اما برخی شان جان دارند، روح دارند و «قهرمان» یکی از آن‌هاست. کلمه‌ای ساده و کوتاه، اما پرصلابت که در ژرفای خود داستان‌هایی از نبرد، فداکاری، ایستادگی و بی‌هراسی را حمل می‌کند. قهرمان نه فقط در افسانه‌ها که در تار و پود تاریخ هر ملت تنیده شده است. هر سرزمینی، هر قوم و فرهنگی، قهرمانان خود را دارد؛ چهره‌هایی که در دل خطر، ایستاده‌اند نه تنها به خاطر توان صرف که به خاطر ایمان، اراده در میان برگ‌های کهن شاهنامه‌ها و روایت‌های اساطیری قهرمانان را دیده‌ایم، رستمهایی که در برابر دیوها قد علم می‌کردند و آرش‌هایی که جان در تیر می‌نهادند. اما امروز، قهرمانان فقط افسانه نیستند. آن‌ها گاهی در دل واقعیت ایستاده‌اند، بی‌نیاز از زره و شمشیر

و این روزها در دل قرن ۲۱، در میانه میادین رسانه‌ها و جبهه‌های بی‌مرز و خط و آتش، مردم دوباره چهره‌ای را «قهرمان» خوانده‌اند نه با دستور کسی، بلکه به انتخاب و اراده خودشان. لقب «Hero» را این بار نه قصه‌نویسان، که خود مردم به زبان آورده‌اند؛ لقبی که با اقتدار بر سینه کسی نشسته که سال‌هاست در خط مقدم ایستادگی ایران در برابر قدرت‌های جهانی حضور دارند؛ مقام معظم رهبری، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای.

ترس در قاموس ما جایی ندارد

وقتی در شب عاشورا، در میانه موجی از تهدیدهای امنیتی و پس از نقشه‌ها و توطئه‌های تروریستی، ایشان قدم به حسینیه امام خمینی (ره) گذاشتند، تنها یک حضور نبود؛ یک پیام بود. پیامی رسا به دشمنان که ترس در قاموس ما جایی ندارد. این حضور، فارغ از محتوای عمومی‌اش، نشانی بود از شجاعت، صلابت و بیوند عمیق با ریشه‌های هویتی‌مان. گویی این حضور در شب روضه ابا عبدالله علیه‌السلام پاسخی بود به آنان که تصور می‌کردند با تهدید می‌توانند صدای مقاومت را خاموش کنند.

تاریخ، شهادت می‌دهد

جنگ ۱۲ روزه اخیر میان ایران و رژیم صهیونیستی نقطه عطفی بود. نبردی که نه فقط یک پیروزی نظامی که نمایش قدرت بازدارندگی و مدیریت راهبردی جمهوری اسلامی بود. در پایان این جنگ، موجی از احساسات و باور در دل مردم ایران فراگیر شد و آن به وجود آمد. باور بیل دیگر کمتر کسی در قهرمان بودن رهبر انقلاب تردید داشت. در این سال‌ها، رهبر انقلاب نه فقط در برابر دشمنان خارجی که در برابر بحران‌های داخلی و فشارهای اقتصادی ایستاده است. در دوران تحریم، در روزهای سخت فتنه، در سال‌هایی که تهدید به جنگ بر سر هر خبر سیاسی سایه می‌انداخت، او همچون فانوسی در دل مه عمل کرد؛ نقشه‌ی راه را خوانْد، مردم را آرام نگه داشت و مسیر را با صبر و درایت پیمود. اندیشکده آمریکایی امریکن انترپرایز سال‌هایش نوشت: «پرگزندترین مشکل آمریکا در ایران حضور یک «هُبر حریفه» به نام آیت‌الله خامنه‌ای است که نقشه راه را می‌شناسد و مردم به او اعتماد آمیخته با اعتقاد دارند» و این فقط سخن یک اندیشکده نبود. مجلهای اقتصادی و معتبر فوربز در شبکه اجتماعی ایکس، تصویری از رهبر انقلاب را منتشر کرد و در توضیح گفت: «قوی‌ترین مرد جهان: آیت‌الله سید علی خامنه‌ای» عبارتی کوتاه اما پرمعنا چرا که قدرت واقعی، همیشه در تعداد تسلیحات و تجهیزات خلاصه نمی‌شود. گاهی قدرت در ثبات قدم در صلابت نگاه و در حضور بی تزلزل در زمانه‌ی بحران است. اگر رهبر انقلاب، قهرمان نبود، چرا نخست‌وزیر رژیم رهبر ما همیشه قهرمان است»، «رهبر انتن زیر گنبد آهنین پناه گرفته‌اند؟ ما و رهبرمان در پناه پرچم حسینیم؛ جهانی بهتر از این پناهگاه نیست» و «قهرمانی که همه به قهرمان بودنش اعتراف کرده‌اند، حتی دشمنانش».

و حالا قهرمان کسی است که نه فقط پیروز شود، بلکه دیگران را نیز با خود به پیروزی برساند. کسی که در دل شب، روشنایی باشد، در طوفان، لنگر باشد و در تردید، یقین. قهرمان بودن آسان نیست. سال‌ها ایستادن، تاب آوردن، هدایت کردن و تلفیزدن در مسیری چنین پرخطر، تنها از شخصی برمی‌آید که نه برای قدرت که برای رسالت آمده باشد و اکنون، این مردم‌اند که با نگاهی از سر اعتماد، ایشان را نه فقط «رهبر» بلکه «قهرمان» خود می‌خوانند. قهرمانی برخاسته از تاریخ، آزموده در بحران، و زنده در قلب‌ها.

ویژگی‌های قهرمان در کلام مردم

در فضای مجازی، کاربران بسیاری با هشتگ Hero به توصیف نقش و جایگاه رهبر انقلاب در ذهن و دل مردم پرداخته‌اند. گروهی از این کاربران رهبر انقلاب را به قدرت الهی را محور استقامت رهبر انقلاب می‌دانند و می‌نویسند «وقتی به قدرت بی انتهای خداوند تکیه کنی، دیگر فرقی نمی‌کند ۴۶ ساله یا بیتی یا ۸۶ ساله...» و «ایستادن رهبر در برابر نگاه میلیون‌ها نفر یعنی این کشتی ناخدایی دارد که حتی در دل طوفان مسیر را می‌شناسد».

گروه دیگری بر وحدت ملی و حضور صمیمی رهبر انقلاب در کنار مردم تأکید دارند و می‌گویند: «ما رهبری داریم که نه فقط فرمان می‌دهد بلکه دل‌های ما را به هم گره زده است. لبیک یا خامنه‌ای یعنی ما با تو یکی هستیم». «به وقت جنگ کنار مردم است، ایشان مرد خداست و آس و رمی‌کند از هی خیال باطل که او را از ما جدا کنند» و «قهرمان ما نه در افسانه‌هاست و نه در فیلم‌ها... بلکه در میان ماست». همچنین گروهی از کاربران بر امنیت پناه معنوی و اعتراف حتی دشمنان به قهرمانی رهبر عزیزمان تأکید کرده‌اند: «شب که سکوت با هیبت‌ترین سایه امنیت را روی سرمان نگه داشته، باز در میان مردم ایستاده است. قهرمان یعنی همین؛ نه ترسناک‌ترین، بلکه امن‌ترین جا» و «قهرمان است».

مکث

پارادوکس اوین

اسرائیلی‌ها به قصد ایجاد هرج و مرج و آزادی محبوسان به بمباران هدفمند اوین دست زدند، اما نه تنها به مقصود خود نرسیدند، بلکه با کشتار ده‌ها نفر محکومیت بین المللی را به جان خریدند. این ماجرای تلخ ابعادی عبرت آموزتر داشت. اوین نماد تکامل نهاد زندان و حتی نهاد مفهوم زندان به معنای فوکویی آن در ایران است.

قبل از اوین هم در ایران زندان و سیاهچال و کیفر و شکنجه وجود داشت، اما زایش زندان در معنای نظارت و مراقبت دائم و تسخیر جان و جسم و تخیل زندانی به تعالی مدیون آغاز عصر اوین از ابتدای سال ۱۳۵۰ است. سومین قرار تاریخ اوین بمباران وحشیانه آن توسط رژیم دست راستی و افراطی اسرائیل است.

رخدادی تراژیک که زندان را به قلب منازعات سیاسی میان دولت‌ها آورده و زندانیان پی‌نه را به قربانیان مضاعف تبدیل می‌سازد.

دقیقا از اوین هم در میان زندان و سیاهچال و دشنام می‌توان به مبدأ زایش زندان و تسخیر جان و جسم و تخیل زندانی به تعالی مدیون است.

مثال گوانتانامو و زندان فردگاه بغداد هنوز حاضر است.

صلاح‌الدین خدیو

برش

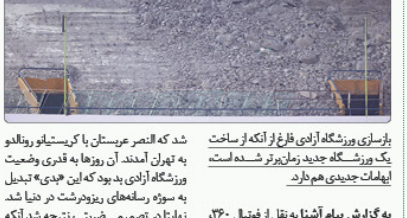

مورد عجیب بازسازی ورزشگاه آزادی؛ ۱۹۰۰ میلیارد تومان چه شد؟

بازسازی ورزشگاه آزادی فارغ از آنکه از ساخت یک ورزشگاه جدید زمان‌برتر شده است، ابهامات جدیدی هم دارد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فوتبال ۳۶۰، ورزشگاه آزادی هنوز در مرحله بازسازی قرار دارد در شرایطی که ساخت اولیه این مجموعه فقط ۱۷ ماه طول کشید، پروژه بازسازی‌اش که از سال ۱۴۰۲ استارت خورده قرار است تازه پایان سال ۱۴۰۵ تکمیل شود. مهم‌ترین مسئله این است که اعلام این زمان هم، تقریبی است و شاید باز هم به تعویق بیفتد؛ به ویژه اینکه تا به الان چندین زمان مختلف برای پایان بازسازی اعلام شده ولی هر بار این زمان به تعویق افتاده و در تازه‌ترین اظهارنظر از سوی مسئولان ورزش ایران، عنوان شده که تا پایان سال ۱۴۰۵، این بازسازی به اتمام خواهد رسید.

۵ ماه، یک سال‌واندی و حالا ۷ سال‌ونیم

استارت بازسازی ورزشگاه آزادی زمانی زده شد که النصر عربستان با کریستیانو رونالدو به تهران آمدند. آن روزها به قدری وضعیت ورزشگاه آزادی بد بود که این «بدی» تبدیل به سوژه رسانه‌های ریزودرشت در دنیا شد. نهایتا در تصمیمی ضربتی، نتیجه شد آنکه ورزشگاه جدیدی در تهران ساخته شود که به سرعت این ایده پس از عقب‌نشینی چینی‌ها برای ساخت ورزشگاه، با شکست روبرو شد تا بازسازی کامل ورزشگاه آزادی دوباره در دستور کار قرار بگیرد از روزی که استارت این ایده خورده قرار شد این بازسازی ۵ ماه طول بکشد. بعد خبر رسید که یک سال‌ونیم طول می‌کشد و حالا هم که مشخص شده این موضوع زمانبر است و به انتهای سال ۱۴۰۵ کشیده شده است.

ابهام بزرگ‌تر: آن‌همه پول چه شد؟

مسئله‌ای که در این میان از طولانی شدن این پروژه بازسازی که حتی منجر به تغییر مدیریتی شده، مهم‌تر است اینکه وضعیت هزینه هنگفتی که برای بازسازی این ورزشگاه در نظر گرفته شده، مانند هزینه‌های بیش‌تری را در زندان‌های بزرگی بنام سیالیسم مصروف می‌نمودند.

همچون اخر پرده از تناقض‌های نظام بین الملل و ریاکاری‌های اخلاقی آن بر می‌دارد. قوای استالین در ژانویه ۱۹۴۵ به زندان مرگ آشویتس در لهستان رسیده و افتخار آزادی آن از دست ارتش نازی را در تاریخ از آن خود کردند. این در حالی بود که همزمان در کشور خودشان صدها هزار نفر در گولاگ‌ها محبوس بودند. همچنین به موازات پیشرفت در جبهه اروپا، پرده آهنین را هم گسترانیده و ملت‌های بیش تری را در زندان‌های بزرگی

اشاره

جهش علمی ایران، کابوس تل آویو

وقتی علم، دشمن قدرت‌های سلطه‌گر است، دانشگاه به خط مقدم جنگ بدل می‌شود و پژوهشگر، هدف تیر مستقیم! حملات اخیر رژیم صهیونیستی به مراکز علمی ایران و شهادت دست‌کم ۱۸ نخبه، دانشجو و استاد، نه‌تنها کشتار نخبگان، بلکه تلاشی آشکار برای متوقف کردن روند یومی‌سازی دانش در کشوری است که باوجود همه تحریم‌ها و تهدیدها، چراغ علم را روشن نگه‌داشته است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از چام‌چم آنلاین، اما آنها فراموش کردند که اندیشه، تروریستی نیست و ریشه‌های علمی که در جان جامعه ایرانی تنیده شده را با خون شهدای دانشگاهی عمیق‌تر می‌شوند و هر نخبه‌ای که به شهادت می‌رسد، هزار ذهن بیدار به پا می‌خیزد.

رژیمی که از قدرت دانش و تخصص هراس دارد، راهی جز خاموش کردن آن نمی‌شناسد. حملات اخیر رژیم صهیونیستی به مراکز علمی و دانشگاهی ایران را نمی‌توان صرفا اقدامی نظامی دانست؛ این حملات، تلاشی آشکار برای متوقف کردن روند رشد علمی کشوری است که سال‌هاست باوجود تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی، به‌ویژه در حوزه‌های دانش‌بنیان، هسته‌ای و موفقیت فناوری‌های نوین، انرژی و پزشکی، بیشتر از منطقه متعلقه‌ها است رژیم صهیونیستی به‌خوبی می‌داند که ریتری واقعی نه در زرادخانه‌های تسلیحاتی، که در آزمایشگاه‌ها و کلاس‌های درس رقم می‌خورد؛ به همین دلیل، علم و نخبگان شکورمان را در اولویت هدف‌گیری خود قرار داده؛ با این تصور که حذف چهره‌های شاخص می‌تواند چراغ تحقیق و توسعه را خاموش کند. اما واقعیت چیز دیگری است. هرچند شهادت ۲۸ نخبه، دانشگاهی در حملات اخیر، زخمی عمیق بر پیکره علمی کشور برجا گذاشته، اما تجربه نشان داده که این گونه اقدامات نه‌تنها ایران را متوقف نکرده، بلکه انگیزه‌ای دوچندان برای پایداری، خودکفایی و پیشروی علمی در میان نسل جوان و جامعه دانشگاهی ایجاد کرده است.

هراس تل آویو از جهش علمی ایران

بررسی داده‌های پایگاه Scimago نشان می‌دهد ایران از سال ۲۰۱۷ به بعد، به‌صورت پیوسته در حال پیشی گرفتن از رژیم صهیونیستی در برخی حوزه‌های علمی نظیر مهندسی، علوم‌پایه و نانوتکنولوژی است؛ موضوعی که شمار زیادی از مقامات نظامی و اطلاعاتی اخیر رژیم صهیونیستی نیز به آن اذعان کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین قرائن آنها سرلشکر هرتسی هلیفی، رئیس سازمان اطلاعات ارتش اسرائیل بوده که در یک گفت‌وگوی محرمانه که نوار صوتی آن در اختیار روزنامه هاآرتص قرار گرفت گفت: «اسرائیل وارد جنگ فناوری با ایران شده است. شمار دانشگاه‌ها و دانشجویان ایرانی از زمان انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ تاکنون ۲۰ برابر شده این در حالی است که شمار دانشگاه‌های اسرائیل در این مدت فقط ۳ برابر شده است.» در چنین شرایطی روشن است که پیشرفت‌های علمی ایران در همه سطوح به یکی از نگرانی‌های مهم رژیم صهیونیستی تبدیل شده است. محسن شاکری‌نژاد عضو هیات‌علمی دانشگاه و رئیس سابق مرکز تحقیقات صداوسیما در گفت‌وگو با چام‌چم توضیح می‌دهد: «اساسا دشمن دنبال آزمین بردن علم در ایران است. این مساله در راس اهداف صهیونیسم بین‌الملل قرار دارد. هدف، آنها نیز روشن است. می‌خواهند سیطره خود را در دنیا حفظ کنند و نمی‌خواهند هیچ کشور دیگری که همراهی‌شان نیست وارد این میدان شود. بنابراین با هر کشوری که خارج از منظومه فکری آنهاست و می‌خواهد به‌طور مستقل وارد عرصه علم و پیشرفت شود، مقابله می‌کنند.»

این نخستین بار نیست که دشمن تلاش می‌کند با ترور دانشمندان و نخبگان، ریشه‌های پیشرفت علمی ایران را خشک کند. پیش از این نیز دانشمندان هسته‌ای کشور هدف ترور قرار گرفتند و قادری به شهادت رسیدند که افکاری بلند در سر داشتند. باین حال، تجربه نشان داده که هر شهید علمی، نه پایان یک مسیر، بلکه آغاز راه صدها دانشجوی مشتاق بوده و سایر دانشمندان ایرانی نیز با وجود تحریم، انزوا و فشارهای سیاسی، اجازه توقف رشد علمی کشور را ندادند.

براساس گزارش‌های علمی‌سنجی گردآوری شده توسط معاونت پژوهشی وزارت علوم، پنج شهید دانشگاه شهید بهشتی، آقایان فقهی، طهرانچی، عباسی، مینوچهر و دوالفقاری در بازه‌زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۵ مجموعا ۵۵۵ مقاله علمی در معتبرترین نشریات بین‌المللی منتشر کرده‌اند. این آثار در مجلات دارای داوری تخصصی، نمایه‌شده در پایگاه‌های معتبر جهانی و برخوردار از ضریب تأثیر علمی بالا به ثبت رسیده‌اند. بخش عمده این تولیدات علمی در حوزه‌هایی نظیر اپتیک پرتوبی، تصویربرداری صنعتی، نانوفناوری، انرژی صلح‌آمیز، محیط‌زیست و مواد نوین کاربردی بوده است و تمرکز پژوهش‌ها به‌جای ایفاد نظامی، کاملا برای ارتقای زندگی انسان‌ها و حل مسائل عمومی کشور و جهان بوده است. همین مساله سبب شده رژیمی که همواره کوشیده خود را به‌عنوان «پایگاه دانش و فناوری در خاورمیانه» معرفی کند، با واقعیتی مواجه باشد که به‌سادگی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد: جوانان ایرانی در حال عبورازآن مرزهای علمی هستند که غیرنظامیان هاثر انحصار خود می‌دانست. درچنین شرایطی، دور از ذهن نیست که رژیم صهیونیستی از این قدرت نرم و پایدار احساس خطر کند.

علم نابودشدنی نیست

شهادت نخبگان گرچه جامعه علمی را داغدار می‌کند اما پیشرفت آن را متوقف نمی‌سازد همان‌طور که علی باقر طاهری نیله دبیر ستاد علم و فناوری شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گوید: سرمایه هسته‌ای ایران اسلامی نیروی انسانی است که به‌صورت زنجیره و نسل در نسل از استاد به شاگرد منتقل شده و امروز طیف وسیعی از دانشمندان جوان ما در حوزه‌های مرتبط و مختلف و عرصه دانش و فناوری هسته‌ای در حال فعالیت هستند و این چرخه بیش از پیش ادامه می‌یابد. بنابراین علم مطلقا نابودشدنی نیست و تلاش‌های مذبوحانه رژیم صهیونی برای ضربه‌زدن بر پیکره علمی کشور از طریق ترور دانشمندان فقط ظاهر ماجراست. آن‌طور که رئیس سابق مرکز تحقیقات صداوسیما به چام‌چم می‌گوید علم هسته‌ای در ایران بومی‌سازی شده و ما آن را از کسی نگرفته‌ایم. سانتریفیوژهایی که امروز می‌چرخند، محصول دانش و توان داخلی است. می‌توانید حتی اگر برخی از دانشمندان ما را ترور کنند، گرچه دردناک است اما آن‌قدر در دانشگاه‌های ما نیرو تربیت شده که این مسیر ادامه خواهد یافت و چراغی که روشن شده دیگر خاموش‌شدنی نیست. بنابراین، تلاش می‌تواند جلوی تکثیر آفریده و پویایی جامعه دانشگاهی کشور را بگیرند، زیرا علم برخلاف ابزار نظامی، در دل‌ها و ذهن‌ها ریشه دارد و این ریشه‌ها با خون جوانان این سرزمین آبیاری شده است. در هر حال ایران چندین دهه است به‌خوبی یاد گرفته چگونه روی پای خود بایستد اما آنچه باید از دیگر به ما ثابت شد، سکوت نهادهای بین‌المللی مسئول در برابر این جنایات بود. درواقع سازمان‌های بین‌المللی که موظف‌اند به حمایت از آزادی علمی، امنیت دانشمندان و حق تحصیلند، در برابر هدف‌قرار دادن جامعه علمی کشور هم تنها ناظر گر بودند این سکوت نه صرفا بی‌عملی، بلکه نشانه‌ای از استاندارد دوگانه‌ای است که سال‌هاست گریبانگیر روابط جهانی شده است. اگر کشوری غربی شاهد حمله موشکی به دانشگاه‌هایش بود، آیا جهان همچنان سکوت می‌کرد؟ اگر ۲۸ نخبه در خاک اروپا یا آمریکا قربانی ترور می‌شدند، آیا رسانه‌ها و نهادهای بین‌المللی چنین بی‌تفاوت می‌ماندند؟

دیدگاه

ابهام راهبردی هسته‌ای؟

بعد از تجاوزات ۱۲ روزه، برخی با این هدف که غرب و اسرائیل را وادار به اجتناب از تجاوزات بیشتر و تن دادن به مذاکره و دادن امتیاز به ایران کنند از «راهبرد ابهام هسته‌ای» سخن می‌گویند. ابهام هسته‌ای به معنی اعمال عدم شفافیت درباره هدف برنامه هسته‌ای، نمایش ضمنی و تلویحی توانایی تسلیحاتی غیرمتعارف بدون آزمایش و ایجاد توازن بین اقدامات تحریک‌آمیز و خویشتن‌داری است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از شرق، ایجاد تک در دشمن درباره ظرفیت باقی‌مانده هسته‌ای ایران و انتشار مدیریت‌شده اطلاعات درباره خسارات وارده بر تأسیسات هسته‌ای از تاکتیک‌های پیشنهادی برای پیشبرد راهبرد ابهام هسته‌ای به طور کلی، هدف چنین راهبردی ایجاد عدم قطعیت و بلاتکلیفی در دشمنان، تقویت بازدارندگی و خرید زمان برای توسعه برنامه تسلیحاتی غیرمتعارف و حفاظت بیشتر از حمله قرمز تا وقت مقتضی است. در این راهبرد فرض بر این است که شفافیت موجب افزایش احتمال حمله به ایران خواهد شد. مقامات رسمی تاکنون صحبتی از چنین راهبردی نکرده‌اند.

بااین‌حال، راهبرد ابهام حرفی جدید و راهبردی نو نیست و در گذشته حداقل توسط عراق، لیبی و کره شمالی استفاده شده است. عراق صدامی این راهبرد را درباره سلاح‌های اتمی، شیمیایی و میکروبی پیگیری به‌عنوان حربه‌ای برای بازدارندگی و نمایش قدرت و مبارزه مخالفان داخلی (کردها و شیعیان) و رقبای منطقه‌ای دنبال می‌کرد. عراق که بعد از جنگ کویت ناچار به نابودی بخش عمده توانایی غیرمتعارف خود شده بود، به‌ویژه بعد از ۱۹۹۸ با اخراج بازرسان تسلیحاتی ابهام را پیشتر کرد. صدام بعدها در بازجویی‌های خود اذعان کرد که برنامه سلاح کشتار جمعی فعال نداشته اما با هدف ایجاد ابهام و بازدارندگی منطقه‌ای به‌طور کامل نیز با بازرسان همکاری نمی‌کرده است. گزارش‌های «گروه بررسی عراق» (ISG) نیز که توسط آمریکا به منظور جست‌وجوی عراق ایجاد شده، مؤید اظهارات صدام است.

نتیجه سیاست ابهام عراق این شد که آمریکا و متحدانش فقدان همکاری کامل عراق را دلیل وجود یک برنامه مخفی و پنهان‌کاری قلمداد کردند و آن را مبنایی از مشروعیت اجماعی بین‌المللی برای حمله به عراق قرار دادند. اما گزارش نهایی رئیس «گروه بررسی عراق»، به کنگره آمریکا نشان داد که جز مقدار اندکی سلاح شیمیایی، هیچ سلاح غیرمتعارفی در عراق وجود نداشت. لیبی نیز تا ۲۰۰۳ نوعی سیاست ابهام درباره برنامه‌های تسلیحاتی هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی داشت. قذافی ضمن اینکه وجود چنین برنامه‌هایی را قویا تکذیب می‌کرد، اما مخفیانه آنها را دنبال و به نوعی مبهم درباره این برنامه‌ها صحبت می‌کرد تا هم از وجود آنها خبر دهد و هم موجب درگیری مستقیم نشود. اما نهایتا در دسامبر ۲۰۰۳، هشت ماه بعد از حمله آمریکا به عراق و در پی مذاکرات فشرده با آمریکا و انگلیس، قصد خود مبنی بر برچیدن برنامه تسلیحاتی غیرمتعارف را اعلام کرد.

کره شمالی اگرچه در ۱۹۸۵ به ان‌پی‌تی پیوست، اما اجازه بازرسی را تا ۱۹۹۲ نداد. بازرسی‌ها در این سال نشان داد بین برنامه‌های اعلام‌شده و وضعیت موجود تفاوت وجود دارد. کره در ۱۹۹۳ از ان‌پی‌تی خارج شد، اما همچنان مشخص نبود که مقامات کره بلوف می‌زنند یا واقعا قصد ساخت بمب را دارند. این ابهام‌افکنی را برای کره شمالی فراهم کرد و در دریافت امتیازاتی را در چارچوب موافقت‌نامه ۱۹۹۴ ممکن کرد. بااین حال، برنامه هسته‌ای تسلیحاتی همچنان فعال بود و سیاست ابهام همچنان در جریان. سیاست ابهام کره تنها در ۲۰۰۶ و در پی اولین آزمایش اتمی کنار گذاشته شد.

دو دلیل برای موفقیت کره می‌توان ذکر کرد: ۱- اجماع وجود داشت که برنامه هسته‌ای کره شمالی هدفی جز بقای رژیم و جلوگیری از حمله نظامی را دنبال نمی‌کرد. ۲- این کشور خارج از منطقه حساس خاورمیانه قرار دارد. درباره ایران نیز برخی از تحلیل‌گران غربی مدعی نوعی راهبرد ابهام هسته‌ای طی سال‌های اخیر شده و ازجمله به کاهش شمار بازرسان و غیرفعال کردن برخی دوربین‌های آژانس و قانون اقدام راهبری برای لغو تحریم‌ها اشاره می‌کنند. اما تأکیدات جاری بر راهبرد ابهام توسط برخی اصولگرایان بی‌سابقه است. از نظر اینان عدم همکاری با آژانس به همراه ایجاد سایت سوم غنی‌سازی و جایگزینی سانتریفیوژهای IR۱ با IR۶ که در ۲۲ خرداد توسط رئیس و معاون سازمان انرژی اتمی در مقام واکنش به قطع‌نامه جدید شورای حکام اعلام شد، می‌تواند در تئوری ایران را وارد دورهای از پنهان‌کاری کرده باشد. خامنه‌ای که آمریکا درباره میزان موفقیت حمله به فردو و نطنز بلاتکلیف است.

نباید نباید به آژانس امکان شفاف‌سازی وضعیت داده شود. اما آژانس، سه گزارش اولیه و نشست وزرای خارجه گروه ۷ واکنش تندی نسبت به مصوبه مجلس درباره عدم همکاری با آژانس داشته‌اند. خوشبختانه قانون مجلس تنها ضمن تعلیق همکاری با آژانس و نه شرط برای ازسرگیری همکاری و تشخیص شورای امنیت ملی تعیین کرده است. مقامات ایرانی نیز همین تفسیر از مصوبه را داشته‌اند و راه را برای همکاری نبسته‌اند.

باید توجه داشت که قطع دسترسی آژانس به سایت‌های ایران مقدمه ابهام راهبردی نیست، بلکه مقدمه ازسرگیری جنگ است. راهبرد ابهام در مورد خاص ایران به معنی عدم قطعیت بی‌ثباتی، استمرار سایه برخورد نظامی، جنگ دائمی یا شدت یابیدن در چارچوب آنچه «راهبرد چمن‌زنی» خوانده می‌شود یا ازسرگیری جنگ تمام‌عیار خواهد بود. نباید از یاد برد که با توجه به سه مشکل «راهبرد ابهام» ممکن است درباره ایران برخلاف مورد کره شمالی کار نکند: ۱- ایران در منطقه حساس خاورمیانه و در تقابل با اسرائیل قرار دارد. ۲- لازمه قطعی «راهبرد ابهام» برخورداری از یک ضد اطلاعات بسیار قوی است. ۳- سیاست ابهام قطعا موجب فعال‌شدن مکانیسم ماشه خواهد شد.

کوروش احمدی